

بررسی و نقد مبانی فقه‌الحدیثی سلفیه در حرمت ساخت بارگاه بر قبور اولیای الهی

(با تمرکز بر روایت ابی الهیاج اسدی)^۱

بهروز به‌نژاد،^۲ ابوالقاسم عاصی^۳ و سیدحمید شمع‌ریزی^۴

چکیده

تکریم و اعزاز قبور بزرگان در فطرت انسان ریشه دارد و ادله فراوان قرآنی و روایی بر آن مهر تأیید زده است؛ اما سلفیه آن را بدعت خوانده به سبب نداشتن درک عمیق و صحیح از مبانی فقه‌الحدیثی پاره‌ای از روایات را، که پراستنادترین آن نزد ایشان روایت ابی‌الهیاج اسدی است، دلیل بر حرمت ساخت بارگاه بر قبور اولیای الهی دانسته‌اند. از آنجاکه منشأ اعتقادی بسیاری از گروه‌های تکفیری و جنابیت‌های فاجعه‌بار آنان سلفیه و وهابیت است، بر پایه یافته‌های این پژوهش، که به روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده، می‌توان گفت سند این خبر به دلیل اشتغال آن بر امثال ابومحمد الهذلی و ابووائل شقیق میان راویان و نیز عدم امکان نقل روایت توسط حسان از خالد به دلیل درگذشت حسان پیش از ولادت خالد ضعیف است و قابلیت استناد ندارد کما اینکه عدم تخریج روایت توسط بخاری و ابن

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تطبیقی مبانی فقه‌الحدیثی شیعه و اهل سنت با تأکید بر سلفیه» است.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

(Behnejad110@yahoo.com)

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

(mozneb1@iauyazd.ac.ir)

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

(shamerizi@yahoo.com)

ماجه (نظر به اعتبار ویژه این دو نزد سلفیه و نیز منحصر بودن روایات منقول از ابی‌الهیاج در همین یک روایت و غیر صحیح شمرده شدن روایت بر مبنای شرط بخاری) این ضعف سندی را تشدید می‌کند. ضمن اینکه در تعارض با اخبار دیگری است که ترغیب‌کننده به آبادانی و مرمت قبور بزرگان دین است.

کلیدواژه‌ها: مبانی فقه‌الحدیثی، ابی‌الهیاج اسدی، تربیع قبور، تسنیم قبور، تسطیح قبور، سد ذرایع.

بی‌شک بر اساس عقل فطری، قبور اولیای الهی اعم از پیامبران علیهم‌السلام، امامان معصوم علیهم‌السلام و سایر بزرگان دین به دلیل انتساب به ایشان از حرمت و نکوداشت برخوردار است. مسلمانان نیز در تاریخ بر پایه همین عقل فطری و بر اساس آموزه‌های دینی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۱) به این امر مهم توجه داشته‌اند.^۱ این حفظ حرمت به مسلمانان اختصاص نداشته و نه تنها در دیگر ادیان و فرقه‌ها طی اعصار و در امصار مختلف مرسوم بوده، بلکه درباره بزرگان غیر دینی و قهرمانان و مشاهیر در سراسر کره خاکی و در تمدن‌های قدیمی نیز دیده شده است (افشارفر، ۱۳۸۹ش، ص ۱۶).

اما در این میان سلفیه و وهابیت همواره نحوه اعزاز و تکریم اولیای الهی از جانب عموم مسلمانان^۲ را ارتکاب فعل حرام و شرک دانسته‌اند؛ تا آنجاکه سفر به قصد زیارت قبر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نیز از این قبیل شمرده‌اند. (عبداللهی عابد و عتیق گلباف، ۱۳۹۸ش، ص ۱۰۵). یکی از مصادیق بارز حفظ حرمت بزرگان دین ساخت بارگاه و عمارت‌هایی در شأن آنان است که قاعدتاً به تناسب زمینه دینی و مذهبی موجود مکانی مناسب برای عبادت است؛ اما نظریه‌پردازان وهابیت و سلفیه برای اثبات حرمت آن کوشیده‌اند. از زمره آنان می‌توان به محمد بن اسماعیل صنعانی و محمد بن علی شوکانی اشاره کرد که هر دو زیدی‌مذهب و از صاحب‌نظران شاخص و اثرگذار سلفیه‌اند و تألیفات فراوانی

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُرْمَةُ الْمُسْلِمِ مِثْلًا كَحُرْمَتِهِ حَيًّا سَوِيًّا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۹) و در حدیث دیگری «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْوَاتًا مَا حَرَّمَ مِنْهُمْ أَحْيَاءَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۱).

۲. دیوبندی‌ها و بریلوی‌ها نیز در تکریم قبور اولیای الهی نظراتی مخالف وهابیت و سلفیه دارند و مورد اتهام آنان واقع می‌شوند. (فرمانیان، ۱۳۸۶، ص ۶۸۷-۶۹۷).

در حوزه علوم اسلامی به‌ویژه اعتقادات سلفی دارند (عمادی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۷۶) و مروج و مبین دیدگاه تحریم بنای عمارت بر قبورند. باید گفت که مبانی فقه‌الحدیثی نقشی اساسی در فهم درست از معنای روایات دارند و فتوا بر پایه فهم ناقص از حدیث با فتوای بلامستند برابر است (میرجلیلی، ۱۳۹۵ش، ص ۳). ما در این پژوهش درصددیم با بررسی و نقد مبانی فقه‌الحدیثی روایات مدنظر ایشان به اثبات درک ناصحیح از معنا و مقصود احادیث، که ریشه انحرافات اعتقادی‌اند، پردازیم؛ از این رو از میان آثار این دو شخصیت سلفی - با توجه به ارتباط موضوعی - به مباحث دو کتاب *تطهیر الاعتقاد عن أدران الإلحاد صنعانی و شرح الصدور فی تحریم رفع القبور شوکانی* خواهیم پرداخت. گفتنی است جهت کلی هر دو کتاب تحریم و شرک دانستن ساخت بارگاه بر قبور اولیای الهی است.

آرا و نظریات رهبران و بزرگان مذاهب و فرق سلفی و وهابی، به‌خصوص با پشتوانه قدرت‌های انحصارطلب جهانی، در ابعاد وسیعی از جوامع بین‌المللی جریان‌آفرین است؛ تا آنجا که قادر است مرزهای احساسات خشونت‌گرا و باورهای مذهبی را جابه‌جا کند و مولد فقه‌التکفیر باشد (بهمنش و جوکار، ۱۳۹۶ش، ص ۴۴). گفتنی است آسیب‌های شدید مادی و معنوی این انحراف عقیدتی از خسارت‌های جنگ‌های جهانی بیشتر برآورد شده است، (عسکری و مسعودی کوشک، ۱۳۹۷ش، ص ۱۵۴). بنابراین بسیار مهم است که منشأ فکری و اعتقادی این جریان‌ات، که صاحبان فتوا و مروجانش مشاهیر فقهی و حدیثی سلفیه‌اند، بررسی و نقد شود. اهمیت بیشتر این مسئله زمانی است که بدانیم مبانی نادرست فقه‌الحدیثی در فهم یک روایت می‌تواند به درک ناصحیح از آن و صدور احکام فاجعه‌بار بینجامد. این موضوع، چنان‌که امروز شاهدیم، دستاویز اسلام‌هراسان شده است.

برخی پژوهش‌هایی که پیشینه این تحقیق‌اند، عبارت‌اند از:

- «بررسی کیفیت حیات پیامبر ﷺ در قبر از نگاه سلفیه و اهل سنت»

(خوش صورت موفق، اعظم؛ عبدالله زاده، سیدمصطفی، نشریه سلفی پژوهی، ش ۱۰)؛

- «تعظیم قبور اولیا از منظر فقهای مغرب اسلامی (نقد فقهی-کلامی ادعاهای ابوسفیان باخو سلاوی)» (مؤذنی بیستگانی، حمید، پژوهشنامه حج و زیارت، ش ۴)؛

- «مشروعیت دعا نزد قبور اولیای الهی» (رضایی، غلامرضا، نشریه کلام اسلامی، ش ۹۵)؛

- «تحلیل قرآنی - تاریخی اخبار نهی از بنای بر قبور» (حسین زاده جعفری، ۱۳۹۹، پایان نامه کارشناسی ارشد).

وجه تمایز پژوهش حاضر از پیشینه‌های مذکور در توجه به مبانی فقه‌الحدیثی سلفیه با تمرکز بر روایت ابی‌الهیاج اسدی و دیدگاه‌های فریقین درباره روایت مذکور است. بر همین اساس پرسش اصلی ما در این پژوهش این است که مبانی فقه‌الحدیثی فریقین چقدر بر ادعای سلفیون در برداشت تحریم ساخت بارگاه بر قبور اولیای الهی از روایت ابی‌الهیاج تطبیق دارد. برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا به این سؤالات پاسخ داد: آیا مبانی فقه‌الحدیثی مورد استناد سلفیه بر روایت مذکور با معیارهای صحیح منطبق است؟ ایرادهای سندی و دلالی این روایت کدام است؟

در این مقاله پس از بررسی روایت ابی‌الهیاج اسدی، که یکی از مهم‌ترین احادیث مورد استناد سلفیه در حرام دانستن ساخت بارگاه بر قبور است، دیدگاه صاحب‌نظران سلفیه، مانند آلبانی، صنعانی و شوکانی، درباره روایت مذکور را مطرح می‌کنیم و پس از بیان مبانی فقه‌الحدیثی مد نظر آنان در این خصوص میزان صحت و سقم این مبانی همراه ایرادهای سندی و دلالی را بررسی و نقد می‌کنیم. همچنین از آرای امامیه و اهل سنت در تأیید اشکال‌های وارد شده بهره خواهیم برد.

۱. بررسی روایت ابی‌الهیاج اسدی

روایات مرتبط با ساخت بنا بر قبور از نظر معنا و محتوا اندک است که به گفته پژوهشگران در کتب روایی با اندکی اختلاف در عبارات نقل شده است. مهم‌ترین و معروف‌ترین این روایات، که مستند اصلی سلفیه برای تحریم ساخت بنا بر قبور و بلکه تخریب آنهاست، تحت عنوان «روایت ابی‌الهیاج اسدی» را مطرح می‌کنیم و به نقد مدعیات نظریه‌پردازان شاخص آنان درباره روایت خواهیم پرداخت.

روایت معروف به ابی‌الهیاج اسدی در منابع مختلف فریقین با اندک تفاوتی در عبارات و با مضامینی شبیه به یکدیگر وجود دارد (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۱۷؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۳۸؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۴۰۱؛ نسائی، بی‌تا، ص ۲۲۷؛ همو، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۵۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۱۸).

خبر مذکور بیشتر به دو صورت نقل شده است؛ صورت نخست: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ لَا تَدْعُ صُورَةً إِلَّا نَحَوْتَهَا وَلَا قَبْرًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ وَلَا كَلْبًا إِلَّا قَتَلْتَهُ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۱۳)؛ صورت دوم: امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ابی‌الهیاج اسدی فرمودند: «أَلَا أَبْعَثُكَ عَلَى مَا بَعَثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنْ لَا تَدْعَ تَمَّالًا إِلَّا طَمَسْتَهُ. وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ» (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۶۶) هر دو شکل از گزارش، به نقل از ابی‌الهیاج اسدی صورت پذیرفته که البته تفاوت مذکور، موجب اختلاف در کیفیت استظهار از حدیث نمی‌شود.

این روایت مهم‌ترین و مشهورترین روایتی است که مستمسک وهابیان و سلفیه در حرمت ساخت بنا بر قبور و تخریب آنها قرار گرفته و فتوای بسیاری از علمای وهابی بر وجوب انهدام قبور به استناد روایت ابی‌الهیاج اسدی است (طفیلی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۱).

الف) نقد ادعای شوکانی، صنعانی و آلبانی درباره سند خبر ابی‌الهیاج

ناصرالدین آلبانی، از نظریه‌پردازان معروف سلفی، معتقد است در ثبوت این روایت تردیدی نیست (آلبانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۷). صنعانی نیز در کتاب خود با نام *سبل السلام* خبر مذکور را حسن دانسته است (صنعانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۸). در ادامه می‌کوشیم به واکاوی ادعای این دو نظریه‌پرداز سلفی بر پایه تصریحات دیگر دانشمندان فریقین پردازیم.

احمد بن حنبل در *مسند خویش ابی‌الهیاج* راوی اصلی را از ثقات نمی‌داند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۴۱). ذهبی وجود «ابومحمد الهذلی» در سلسله راویان یکی از طرق روایت از سوی احمد بن حنبل را ناشناس برشمرده است (معلمی یمانی، ۱۴۳۴ق، ج ۴، ص ۱۷۷).

دارقطنی در کتاب *العلل الواردة فی الأحادیث النبویة* به سند روایت ایرادی وارد کرده و نقل روایت توسط حسان بن ابراهیم از خالد بن حارث را — به دلیل آنکه حسان سن بیشتری از حارث داشته و پیش از به دنیا آمدن او از دنیا رفته است — ناممکن می‌داند (دارقطنی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۷۷). محمد آل شیخ، از پژوهشگران اهل سنت، با اشاره به عدم نقل خبر مذکور توسط بخاری و ابن ماجه (آل‌الشیخ، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۲۰)، و جلال‌الدین سیوطی نیز با بیان اینکه «لَيْسَ لَهُ فِي الْكُتُبِ إِلَّا هَذَا الْحَدِيثُ الْوَّاحِدُ» (سیوطی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۸۸)، هر کدام به شکلی درصدد طعن بر خبر و راوی آن برآمده‌اند.

عجیب آنکه صنعانی در کتاب *تطهير الاعتقاد عن أدران الإلحاد* یکی از مستندات خود را در روایتی که آورده است، سنن ابن ماجه می‌داند (صنعانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۳)؛ حال آنکه خود ابن ماجه «اسناد دادن» در این حدیث را به‌رغم وجود راویان موثق، به دلیل انقطاع رجال حدیث، «ضعیف» شمرده است: «إسناده ضعيف، رجاله ثقات، لكنه منقطع» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۸۹).

علمای امامیه نیز بارها بر ضعف بودن خبر مذکور تصریح کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۴۴۱) و آن را حتی بر طبق مبانی رجالی خود

اهل سنت بی‌اعتبار دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ص ۵۲). محسن امین وجود ابووائل شقیق بن سلمه در سلسله سند را یکی دیگر از عوامل ضعف سندی آن می‌داند؛ چه وی از دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و منحرفان از او بوده است (امین، بی‌تا، ص ۲۹۴).

یکی از مهم‌ترین مبانی فقه‌الحدیثی اثبات متن در انتساب آن به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامان معصوم علیهم السلام است که خبر مذکور در دیدگاه امامیه، اهل سنت و حتی خود سلفیه به شیوه‌های مختلف فاقد این مبنا شناخته شده است؛ تعبیراتی مانند ضعیف، ضعیف علی المشهور، دارای اشکال رجالی، اسناده ضعیف، صحیح علی شرط مسلم (یا به عبارتی غیر صحیح علی شرط بخاری)، قرار نگرفتن ابی‌الهیاج اسدی در جمع ثقات رجال شیخین، ناشناس بودن ابومحمد هذلی، عدم امکان نقل روایت توسط حسان بن ابراهیم از خالد بن حارث به دلیل درگذشت حسان پیش از تولد خالد، عدم روایت و عدم تخریج^۱ توسط بخاری و ابن ماجه (با توجه به اعتبار بسیار صحیح بخاری و سنن ابن ماجه نزد اهل سنت) و انحصار روایات ابی‌الهیاج اسدی به همین یک روایت از تعبیراتی است که پیش‌تر مستندات آنها را ارائه کردیم.

ب) نقد استنباط و استظهار شوکانی از خبر ابی‌الهیاج

شوکانی خبر مذکور را دلیل بر وجوب هدم قبور دانسته است (شوکانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴)؛ اما پس از آنکه دانسته شد خبر ابی‌الهیاج اسدی وجاهت سندی ندارد، دلیلی بر تمسک به آن باقی نمی‌ماند و درواقع با وجود ضعف سندی نیازی به بررسی دلالتی نیست؛ اما از آنجاکه ممکن است گاهی به خبر ضعیف‌السند بر طبق برخی مبانی تمسک شود، لازم است در ادامه به بررسی

۱. از دیدگاه اهل سنت اگر محدث مشهور روایتی را نقل کند، ولی آن را در کتاب خود نیاورده باشد، صرفاً راوی آن است؛ اما اگر آن روایت را در کتاب خویش نقل کند، در واقع آن را تخریج کرده است.

دلالتی آن هم بپردازیم تا بر موجه نبودن تمسک به آن تأیید و تأکید کرده باشیم. در ادامه به مهم‌ترین ایرادات دلالتی آن اشاره خواهیم کرد:

- اشکال اول: توجه نکردن به قراین منفصله در مقام بررسی دلالتی

شوکانی که خبر مذکور را دلیل بر وجوب هدم دانسته، استظهار خود را بدون توجه به مقتضای قراین ابراز کرده است؛ چه آنکه استنباط مذکور بدون توجه به اخبار دیگر بوده که در حکم قرینه منفصله برای کشف مدلول خبر مذکورند. پرواضح است که کشف مدلول یک خبر در گرو توجه به مجموعه قراین مقالیه و حالیه متصله و منفصله است. رافعی قزوینی در این باره ابراز می‌دارد که آنچه در مضمون کلی روایت آمده، مساوی و صاف کردن سطح قبور است که به قرینه روایات دیگری که بعداً خواهد آمد، منظور از این «تسویه» یکسان شدن با خاک نیست، بلکه حداقل به اندازه یک وجب ارتفاع قبر لحاظ شده است: «و رفع قبره عن الارض قدر شبر» (رافعی قزوینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۵). نکته شایان توجه این است که خود صنعانی اذعان کرده است که بعضی از اهل علم خبر مذکور را دال بر حرمت ترفیع ندانسته‌اند (صنعانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۹۸).

احمد بن حنبل ذیل روایتی از طبرانی درباره تسویه قبور توضیح می‌دهد که منظور پیامبر ﷺ این نبوده است که قبر با زمین یکسان شود و اثری از آن نماند. وی ذیل همین روایت با استناد به روایتی دیگر نصب آجر روی قبر فردی به دست پیامبر ﷺ را حجتی برای تأکید بر این می‌آورد که تسویه قبر به معنای تسطیح و انهدام آن نیست (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۳۹، ص ۳۶۰).

وی در پایان مطلب خویش با بیان عبارتی از قول ابراهیم نخعی می‌گوید: «جُعِلَ قَبْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبْتًا وَلَمْ يَسْوَّ تَسْوِيَةً»؛ «قبر پیامبر ﷺ به صورت توده‌ای از گل بود و با زمین یکسان نبود». او بر عبارت «لم يسو» (تسویه نشده) تأکید می‌کند و روایات دیگری مبنی بر اینکه قبر پیامبر ﷺ و عمر و ابوبکر و شهدای

صدر اسلام نیز برآمدگی داشته و اصطلاحاً «مسنم» ساخته شده است را شاهدهی بر سخن خویش می‌آورد. هرچند این کلام احمد بن حنبل برای تطبیق رویه اهل سنت در «تسنیم» قبور بر سنت سلف صالح پیامبر ﷺ است، به وضوح موضوع «تسویه» قبور را متنفی می‌سازد و استناد سلفیه بر روایت ابی‌الهیاج اسدی در وجوب تسویه و بلکه «انهدام» بنای قبور را دچار تعارض می‌کند (همان، ۱۴۱۶ق، ج ۳۹، ص ۳۶۱).

مسلم نیز یکی دیگر از صاحبان صحاح است که معتقد است خبر مذکور بر نهی از بنا بر قبور دلالت نمی‌کند (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۷۵)؛ حال آنکه صنعانی یکی از مستندات خود را در این باره صحیح مسلم می‌داند (صنعانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۳).

- اشکال دوم: عدم امکان التزام به لوازم خبر مذکور

پرواضح است که اگر خبری را به گونه‌ای تفسیر کنیم که التزام به لوازم آن ممکن نباشد، استظهار و استنباط مذکور مخدوش خواهد بود؛ چه «من التزم بشیء التزم بلوازمه». آنچه در اینجا شاهدیم، تفسیر عام‌انگارانه و مطلق‌انگارانه حدیث مذکور توسط شوکانی است که هدم هر قبر و بارگاهی را واجب می‌سازد؛ حال آنکه خود وی درباره قبر شریف پیامبر ﷺ سکوت اختیار کرده است (شوکانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۴).

شوکانی در کتاب معروف خود، شرح الصدور فی تحریم رفع القبور، ادعایی بسیار عجیب می‌کند و می‌گوید «همه مردم از صدر اسلام تا کنون با او هم عقیده‌اند که مرتفع کردن قبور و ساخت بنا بر آنها بدعت است و از این امور نهی شده است».^۱ (صنعانی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۲). واضح است که چنین سخنی پایه علمی و پژوهشی ندارد و برای آن دلیلی اقامه نشده، بلکه شواهد،

۱. «اعلم أنه قد اتفق الناس، سابقهم ولاحقهم، وأولهم وآخرهم من لدن الصحابة رضي الله عنهم إلى هذا الوقت: أن رفع القبور والبناء عليها بدعة من البدع التي ثبت النهي عنها»

دلالت قطعی خلاف آن می‌کند و مهم‌ترین شاهد آن برافراشتن بارگاه روی قبر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. جالب آنکه او در همین کتاب ضمن مطرح کردن نظر یحیی بن حمزه، از پیشوایان و دانشمندان زیدیه، مبنی بر اینکه بر ساخت بقعه و بارگاه بر قبور بزرگان اشکالی وارد نیست، می‌گوید یحیی بن حمزه در این عقیده تنهاست و هیچ‌کدام از معاصران او چنین نظری ندارند. (همان، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۳)؛ درحالی‌که سیره متشرعین از مسلمین، اعم از خاصه و عامه، از منفرد نبودن یحیی بن حمزه در عقیده‌اش حکایت می‌کند.

- اشکال سوم: تناقض در استظهار

جالب است که شوکانی در کتاب شرح الصدور بتحريم رفع القبور درباره روایت ابی الهیاج می‌گوید: «وفي هذا أعظم دلالة على أن تسوية كل قبر مشرف بحيث يرتفع زيادة على القدر المشروع واجبة متحتمه»^۱ (شوکانی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱۰) و در عین حال در تناقضی آشکار در کتاب السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار اظهار می‌دارد روایت ابی الهیاج بر این امر دلالت می‌کند که «تربیع»^۲ کردن قبر بر «تسنیم» آن ترجیح دارد و اصرار خود در کتاب دیگرش مبنی بر «وجوب هدم» را فراموش می‌کند (همو، ۱۴۲۵ق، ص ۲۲۳).

عجیب‌تر آنکه در کتاب معروفش، نیل الأوطار، ذیل روایت ابی الهیاج با نقل نظر قاضی عیاض با تناقضی دیگر تسنیم^۳ را افضل می‌داند و می‌گوید: «ارجح این است که افضل بودن تسطیح را مختص سلف (صالح) بدانیم» (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۲).

۱. «و در این بزرگترین دلالت به آن است که صاف کردن هر قبری که ارتفاع آن بیش از اندازه مشروع است، واجب و حتمی است».

۲. اصطلاح تربیع قبر عملاً مقابل تسنیم است و امامیه قبرها را مسطح و چهارگوشه می‌سازند.

۳. «تسنیم» به حالت کوهانی شکلی می‌گویند که اهل سنت برای قبر درست می‌کنند.

- اشکال چهارم: توجه نکردن به فلسفه و حکمت حکم

بر فرض پذیرش سند خبر ابی الهیاج و تمام دانستن دلالت آن، لازم است که با گرد آوردن و تشکیل خانواده حدیثی درصدد کشف فلسفه و حکمت حکم برآییم. تأمل در اخبار این باب حکایت از آن می‌کند که یهودیان و پیروان برخی امت‌های گذشته برابر قبر سجده می‌کردند و آن را همچون بت تقدیس می‌کردند؛ همچنین به تأثیر استقلال آن باور داشتند و گاه بر خود آن سجده می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۷۴). از مصادیق مسجد قرار دادن قبر، نماز خواندن به سمت آن یا روی آن است. با در نظر گرفتن نحوه نماز خواندن و نیایش یهود و نصارا و تفاوت شکلی این عبادت میان آنها و مسلمانان چگونه می‌توان از دلالت روایت نهی از بنا بر قبر را برداشت کرد؟ در خبری دیگر آمده است: «أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ. أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ. إِنِّي أَنهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ» (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۷۷). همچنین در حدیثی دیگر می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ، وَلَا تُصَلُّوا إِلَيْهَا» (ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۴۰۵). اینها همه از نهی از اتخاذ شکل خاصی از نگرش به قبور حکایت می‌کند.

- اشکال پنجم: تمسک به قاعده «سد ذرایع»

«ذرایع» در اصطلاح ارتکاب امور ممنوعه‌ای است که منجر به مفسده است (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۳۹۳). اهل سنت بر این اعتقادند که راه‌های منجر به ارتکاب حرام را باید مسدود کرد و به تعبیر ایشان مقدمه حرام مطلقاً حرام است (رضوانی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۷). در مسئله نهی از بنا بر قبور، سلفیه با استناد به روایات مد نظر خویش و با تمسک به قاعده «سد ذرایع» بر این باورند که قبوریون با ساخت بارگاه بر قبور اولیای الهی مکانی برای عبادت، توسل، دعا و

نماز خواندن فراهم می‌کنند که همه این امور در سایه توجه به صاحب قبر شرک است؛ از این رو باید به تحریم آن پرداخت و با تخریب بارگاه و عمارت‌های بنا شده بر قبور از مهیا شدن زمینه شرک ورزیدن و ارتکاب افعال حرام جلوگیری کرد. ریشه فتاوی صادر شده در تخریب بارگاه ائمه علیهم‌السلام و سایر اولیای الهی همین نگرش است. شوکانی به‌رغم اذعان به اعتقاد به سد ذرایع و ارائه تعریفی برای آن، نظر ابوحنیفه و شافعی را مخالف با این قاعده می‌داند (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۳)؛ اما حجیت قاعده سد ذرایع از اتفاق نظر دانشمندان اهل سنت برخوردار نیست؛ ضمن آنکه این قاعده مسائل مستحدثه مسلمانان را در سردرگمی و بلا تکلیفی می‌اندازد (اسلامی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۳۸). در اصول فقه شیعه و در مبحث «مقدمه حرام» نیز بیان شده است که الزاماً هر مقدمه حرامی حرام نیست (همان، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۲). از این رو قاطبه فریقین تمسک به قاعده سد ذرایع را مردود می‌دانند.

نتیجه‌گیری

اکرام مسلمانان در حیات و ممات ایشان، به‌خصوص بزرگان دین، در سیره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام جایگاه ویژه‌ای دارد و روایات فراوانی در این زمینه موجود است؛ ضمن آنکه این امر مهم در هر آئین و مسلکی و در هر مرزوبومی نزد عموم مردم همیشه مورد توجه بوده است. از این رو بدعت بودن این امور نزد سلفیه از منظر قرآن، روایات و شواهد تاریخی - اجتماعی تأیید شده نیست. از طرفی مجموعه روایاتی که سلفیه از آنها «نهی از بنا بر قبور» را برداشت کرده است، بسیار نیست و شباهت و اختلاف آنها در حد چند واژه است؛ اما مهم‌ترین دستاویز ایشان برای ترویج عقیده حرمت ساخت بنا بر قبور است، روایت ابی‌الهیاج اسدی است که افزون بر اشکال‌های سندی و دلالی، بسیاری از مبانی فقه‌الحديثی در فهم آن نادیده گرفته شده است. بدیهی است اثبات متن از مهم‌ترین مبانی فقه‌الحديثی است که انتساب خبر به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا

امامان معصوم علیهم‌السلام در دیدگاه امامیه، اهل سنت و حتی خود سلفیه از شاخصه‌های مهم آن است. از دیدگاه مشهور مسلمانان، خبر ابی‌الهیاج به شیوه‌های مختلف فاقد این مبنا شناخته شده است؛ همچنین تعبیراتی مانند ضعیف، ضعیف علی المشهور، دارای اشکال رجالی، اسناد ضعیف، صحیح علی شرط مسلم (یا به عبارتی غیر صحیح علی شرط بخاری) و عدم تخریج روایت توسط بخاری و ابن ماجه با توجه به اعتبار این دو نزد سلفیه.

از جمله ایرادهای رجالی می‌توان به قرار نگرفتن ابی‌الهیاج اسدی در جمع ثقات رجال شیخین، ناشناس بودن ابومحمد هذلی، عدم امکان نقل روایت توسط حسان بن ابراهیم از خالد بن حارث به دلیل درگذشت حسان پیش از تولد خالد، وجود ابوائل شقیق در میان راویان و نقل منحصرأ همین یک روایت توسط ابی‌الهیاج اشاره کرد. همچنین با بررسی روایت ابی‌الهیاج درباره حرمت ساخت بنا بر قبور، بر فرض چشم‌پوشی از ایرادهای سندی و دلالی و فقه‌الحدیثی، هیچ‌گونه «نهی» و «حرمت» از سیاق روایت برداشت نمی‌شود. افزون بر اشکالاتی که دانشمندان امامیه و اهل سنت به روایت مذکور وارد کرده‌اند، بر اساس این پژوهش به اشکالات دیگری نیز می‌توان اشاره کرد: توجه نکردن به قراین مفصله در مقام بررسی دلالی، عدم امکان التزام به لوازم خیر مذکور، تناقض در استظهار، توجه نکردن به فلسفه و حکمت حکم و تمسک به قاعده سد ذرایع.

منابع

۱. آل شیخ، عبداللطیف (۱۳۹۹ق)، فتاوی و رسائل سماحة الشيخ محمد بن إبراهيم بن عبد اللطيف آل الشيخ، محمد بن عبدالرحمن، مكة المكرمة، مطبعة الحكومة، چاپ اول.
۲. آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۲۰ق)، تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد، بیروت، المكتبة الاسلامی، چاپ چهارم.
۳. ابن حنبل، احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، عامر غضبان، بیروت، مؤسسة الرساله، چاپ اول.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق)، سنن ابن ماجه، بشار عواد معروف، بیروت، دارالجیل، چاپ اول.
۵. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، سنن أبي داود، سيد ابراهيم، قاهره، دارالحديث، چاپ اول.
۶. اسلامی، سیدحسن (۱۳۸۴ش)، «شبیہ سازی انسان از دیدگاه فقه اهل سنت»، نشریه فقه، ش ۴۵، پاییز، ص ۷۱-۱۴۸.
۷. افشارفر، ناصر (۱۳۸۹ش)، «بررسی باورهای دینی مردم تپه حصار دامغان بر اساس تدفین اموات»، نشریه رشد آموزش تاریخ، ش ۳۹، تابستان، ص ۱۰-۱۶.
۸. امین، سیدمحسن (بی تا)، کشف الإرتیاب فی أتباع محمد بن عبد الوهاب، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۹. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، المحاسن، جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۰. بهمنش، حسین و جوکار، مهدی (۱۳۹۶ش)، «جهانی شدن و تأثیر آن در جذابیت هویتی گروه تکفیری - تروریستی داعش»، نشریه مطالعات روابط فرهنگی بین الملل، ش ۵، بهار، ص ۲۹-۵۲.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق)، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحديث، چاپ اول.
۱۲. حسین زاده جعفری، فاطمه (۱۳۹۹ش)، تحلیل قرآنی - تاریخی اخبار نهی از بنای بر قبور، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد، دانشکده علوم قرآنی.
۱۳. حکیم، سیدمحمد (۱۴۱۸ق)، الأصول العامة للفقہ المقارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ دوم.
۱۴. خوش صورت موفق، اعظم و عبدالله زاده، سیدمصطفی (۱۳۹۸ش)، «بررسی کیفیت حیات پیامبر در قبر از نگاه سلفیه و اهل سنت»، نشریه سلفی پژوهی، ش ۱۰، پاییز و زمستان، ص ۹۷-۱۱۸.
۱۵. دارقطنی، علی بن عمر (۱۴۲۷ق)، العلل الواردة في الأحاديث النبوية، ریاض، دارطیبة،

- چاپ اول. ۲۵. صنعانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۴ق)،
 تطهیر الاعتقاد عن أدران الإلحاد وبلیه شرح
 الصدور فی تحریم رفع القبور، عبدالمحسن
 بن حمد، ریاض، مطبعة سفیر، چاپ اول.
۲۶. ———، (بی تا)، سبیل السلام، بی جا،
 دارالحدیث الطبعة.
۲۷. طفیلی، احمد (۱۴۲۸ق)، شبهات و ردود
 عقایدیة، بیروت، دارالولاء، چاپ اول.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)،
 التهذیب الاحکام، حسن الموسوی، تهران،
 دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۹. عبداللهی عابد، صمد و عتیق گلباف، اکرم
 (۱۳۹۸ش)، «بررسی روایت توسل به حق
 سائلین و نقد دیدگاه‌های آلبانی در آن»، نشریه
 مطالعات فهم حدیث، ش ۱۰، بهار و تابستان،
 ص ۱۰۳-۱۲۱.
۳۰. عسکری، پوریا و مسعودی کوشک، حمید
 (۱۳۹۷ش)؛ «تخریب میراث فرهنگی سوریه
 توسط داعش و راهکارهای مقابله با آن در حقوق
 بین الملل»، نشریه حقوقی بین المللی، ش ۵۸،
 بهار و تابستان، ص ۱۵۳-۱۸۴.
۳۱. عمادی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۳ش)،
 «صنعانی؛ سلفی تکفیری یا سلفی میانه‌رو»،
 همایش جریان‌های افراطی و تکفیری از
 دیدگاه علمای اسلام، ص ۲۷۵-۲۹۵.
۳۲. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۶ش)، فرق تسنن،
 قم، نشر ادیان، چاپ اول.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)،
 الکافی، علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب
 چاپ اول. ۱۶. رافعی قزوینی، عبدالکریم (۱۴۱۷ق)،
 العزیز شرح الوجیز المعروف بالشرح الکبیر،
 علی محمد عوض، بیروت، دارالکتب العلمیة،
 چاپ اول.
۱۷. رضایی، غلامرضا (۱۳۹۴ش)، «مشروعیت
 دعا نزد قبور اولیای الهی»، نشریه کلام
 اسلامی، ش ۹۵، پاییز، ص ۱۰۷-۱۳۱.
۱۸. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶ش)، غیبت
 کبری، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران،
 چاپ سوم.
۱۹. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ق)، الوهائیة فی
 المیزان، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ
 سوم.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر
 (۱۴۰۶ق)، حاشیة السیوطی علی سنن
 النسائی، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیة،
 چاپ دوم.
۲۱. شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق)،
 شرح الصدور بتحریم رفع القبور، المدینة
 المنورة، الجامعة الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۲. ———، (۱۴۱۳ق)، نیل الأوطار،
 عصام‌الدین الصبابطی، قاهره، دارالحدیث، چاپ
 اول.
۲۳. ———، (۱۴۱۹ق)، إرشاد الفحول إلی
 تحقیق الحق من علم الأصول، الشیخ أحمد
 عزو عنایة، دمشق، دارالکتب العربی، چاپ اول.
۲۴. ———، (۱۴۲۵ق)، السیل الجرار المتدفق
 علی حدائق الأزهار، بیروت، دار ابن حزم.

- الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، **المجتبی من السنن**، اردن، بیت الافکار الدولیه، چاپ اول.
۳۵. _____، (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول**، سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۳۶. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق)، **صحیح مسلم**، محمدفؤاد عبدالباقی، قاهره، دارالحديث، چاپ اول.
۳۷. معلمی یمانی، عبدالرحمن (۱۴۳۴ق)، **آثار الشيخ العلامة عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی**، جده، دار عالم الفوائد للنشر و التوزیع، چاپ اول.
۳۸. مؤذنی بیستگانی، حمید (۱۳۹۹ش)، «تعظیم قبور اولیاء از منظر فقهای مغرب اسلامی (نقد فقهی-کلامی ادعاهای ابوسفیان باحو سلاوی)»، **نشریه پژوهشنامه حج و زیارت**، ش ۴، پاییز و زمستان، ص ۴۳-۶۴.
۳۹. میرجلیلی، علی محمد (۱۳۹۵ش)، **روش و مبانی فقه الحدیث**، یزد، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ دوم.
۴۰. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق)، **السنن الکبری**، عبدالغفار بنداری، بیروت، دارالکتب

